

سخنی با والدین و مربیان

مهم‌ترین ویژگی کودکان این است که هرچه را به ذهنشان می‌رسد بازگو می‌کنند. کلمات آن‌ها - که اغلب خنده‌دار، غافلگیرکننده و خردمندانه‌اند - دریچه‌ای است به سوی احساساتشان.

گاهی کلماتی ناراحت‌کننده یا اهانت‌آمیز و گاهی کلماتی هوشمندانه از فرزندانشان می‌شنویم. مثلاً ممکن است کودک دیگری را مسخره کند یا بی‌رحمانه درباره‌ی ظاهر کسی اظهار نظر کنند. ممکن است داد و بیداد کنند یا حتی ناسزا بگویند. پشت تمام این واژه‌ها چیست؟ اغلب احساس عصبانیت، ناراحتی، طرد شدن، سرگردانی یا ترس. کودکان هم درست مانند افراد بالغ هنگام عصبانیت تن صدایشان را بالا می‌برند و کلمات ناراحت‌کننده بر زبان می‌آورند.

همه‌ی ما - چه پیر، چه جوان - باید یاد بگیریم که کلماتمان را عاقلانه و از روی فکر انتخاب کنیم. می‌توانیم قبل از صحبت کردن فکر کنیم و سعی کنیم کلماتی را به کار ببریم که محبت و احترام را به طرف مقابل منتقل کنند.

مهم‌تر از همه، اگر با حرف‌هایمان کسی را رنجانده‌ایم می‌توانیم عذرخواهی کنیم. گاهی گفتن کلمه‌ی ساده‌ی «ببخشید» برایمان خیلی سخت است. ولی هرچه بیشتر تمرین کنیم بهتر از پس آن برمی‌آییم. و همین کلمه‌ی کوچک تغییرات بزرگی به وجود می‌آورد.

بعضی از کلمات
بسیار کوتاه‌اند:

نه!

سلام!

خدا حافظ!

بله!

پیشی یادتون نره!



بعضی کلمات واقعاً طوووولانی اند:

«قُسطنطنیه»



«می سی سی پی»



«اجی مجی لا ترجی»



و

برخی کلمات خیلی
خنده دارند:



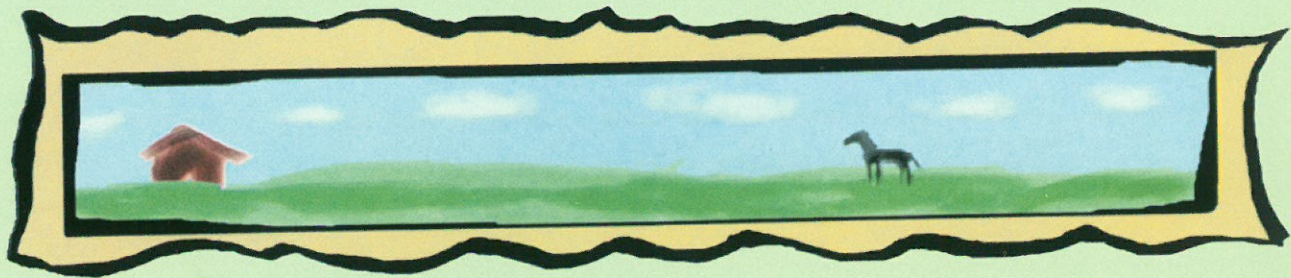
«قوقولی قوقو»



«گو گولی مگولی»

کلمات کمکتان می‌کنند تا حرف‌های مهمی بزنید، مثل «دوستت دارم.»





خواهش می‌کنم.

ممنون
که کمکم کردی.



گاهی کلمات را با صدای بلند می‌گویید!
و گاهی پچ‌پچ می‌کنید.



گاهی حرف‌های خنده‌دار می‌زنید،
و گاهی آواز می‌خوانید:

